

## تبیین نظری توسعه پایدار و اقتصاد مقاومتی (پتانسیل های بومی و توسعه درون زا)

هدایت حسین زاده<sup>۱</sup>، سیدعلی میرصادقی<sup>۲</sup><sup>۱</sup>استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، ایران<sup>۲</sup>دانشجوی ارشد رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد و تجارت الکترونیک، دانشگاه پیام نور مرکز تبریز (نویسنده مسئول)

## چکیده

اقتصاد مقاومتی یعنی شناسایی حوزه های فشار و تلاش برای بی اثر کردن و کنترل آنها است. برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی ضروری است که وابستگی های خارجی تقلیل یافته و برای افزایش تولید داخلی کشور و خوداتکایی تلاش کرد. امروزه مفهوم توسعه پایدار تقریباً یک معنای ضمنی و صرفاً زیست محیطی یافته است. حال آنکه سازمان ملل یک رشته کنفرانس ها و اجلاس هایی را ترتیب داده که در آن عبارتی نظیر «توسعه پایدار زیست محیطی»، «توسعه پایدار اجتماعی»، «توسعه پایدار فرهنگی»، «توسعه پایدار کشاورزی»، «توسعه پایدار اقتصادی» و «توسعه پایدار سیاسی» به کار برده شده است. روش تحقیق در این نوشته کتابخانه ای بوده است. در این نوشته هدف کلی ما «تبیین نظری توسعه پایدار و اقتصاد مقاومتی با وجود پتانسیل های بومی و توسعه درون زا می باشد».

**واژه های کلیدی:** توسعه پایدار، اقتصاد مقاومتی، پتانسیل های بومی و توسعه درون زا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

در جهان معاصر، اقتصاد مقاومتی یعنی شناسایی حوزه‌های فشار و تلاش برای بی اثر کردن و کنترل آن‌ها است. برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی ضروری است که وابستگی‌های خارجی تقلیل یافته و برای افزایش تولید داخلی کشور و خوداتکایی تلاش کرد.

امروزه تعریف توسعه<sup>۱</sup> که تا به حال صرفاً جنبه اقتصادی داشت تغییر کرده و به نوعی جامع نگرى با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی روی آورده است که هدف اصلی آن «توسعه انسانی پایدار»<sup>۲</sup> است. اما متأسفانه کمتر کشوری وجود دارد که مسیر آن را صحیح پیموده باشد زیرا اکثر کشورهای جهان به بهانه توسعه از منابع محدود، برداشت نامحدود می‌کنند که این خود از مصادیق ناپایداری توسعه خواهد بود. علت اصلی ناپایداری توسعه را باید فقدان بینش و خردمندی درباره تعیین راهبردها، سیاستگذاری ها و تصمیم گیری ها در سطوح مختلف مدیریتی و عملیاتی دانست (بخشکشی، ۱۳۸۹).

امروزه اقتصاد کشور به عنوان یک راهکار کلان ارائه شده است. در روزهای اخیر عرصه اقتصاد کشور شاهد رویارویی با گفتمانی جدید در حوزه اقتصادی با عنوان «اقتصاد مقاومتی»<sup>۳</sup> است. اکنون اقتصاد کشورمان هم از فضای جهانی تأثیر می‌پذیرد و هم به دلیل قدرتی که در حوزه‌های مختلف علمی، سیاسی و انرژی به دست آورده یا از قبل داشته است، بر آن اثر می‌گذارد. با توسعه تحریم اقتصادی علیه ایران، یک ضرورت بیش از پیش نمایان شده و آن دستیابی به یک الگوی مقاومتی از اقتصاد است؛ الگویی که در برابر بحران‌های اقتصادی رویکردی فعالانه دارد و می‌تواند در شرایط بحرانی موانع را برطرف کند. اقتصاد مقاومتی چشم‌اندازی کلان در جریان اقتصاد ایران اسلامی است و اقدامی بلندمدت را در راستای این چشم‌انداز شامل می‌شود. اقتصاد کشوری که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های روز دنیا در تضاد است، اقتصاد خاصی خواهد بود، چرا که دشمنی با چنین کشوری پایدار بوده و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌یابد.

از این روی باید همه راهبردها و سیاست‌های کشوری مثل: ایران به گونه‌ای طراحی شود که از کیان آن در برابر تهدیدها حفاظت کند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازد. جمهوری اسلامی ایران که همیشه در معرض دشمنی قرار داشته و در برابر آنها مقاومت کرده است باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود (عسکری، ۱۳۹۱). با این توصیف توسعه پایدار نقش اساسی را در اقتصاد مقاومتی ایفا خواهد نمود.

توسعه پایدار<sup>۴</sup> مفهومی است که اخیراً در ادبیات جامعه‌شناسی مطرح شده است. مراد از توسعه پایدار تنها حفاظت از محیط زیست نیست؛ بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است، که عدالت و امکانات زندگی را برای تمام مردم جهان و نه تعداد اندکی افراد، برگزیده است. در فرایند توسعه پایدار، سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعتی و ...، به گونه‌ای طراحی می‌شوند، که توسعه اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی را تداوم بخشد. بر این اساس، دیگر نمی‌توان برای تأمین مالی مصارف جاری، بدهی‌های اقتصادی که بازپرداخت آن بر عهده‌ی نسل‌های آینده است، ایجاد کرد. توسعه پایدار مستلزم ایجاد تغییری در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییرات نهادی‌ای است، که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. در نهایت می‌توان توسعه پایدار را به معنای عدم تحمیل آسیب‌های اقتصادی- اجتماعی و یا زیست‌محیطی به نسل‌های آینده دانست؛ هرچند آنچه از مفهوم توسعه پایدار مصطلح شده، صرفاً به عنصر حفاظت از محیط زیست توجه دارد (دیرباز، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۴).

فضای اقتصادی ایران امروز، رویدادهای ویژه و منحصر به فرد اقتصادی را شاهد است که وقوع برخی از آنها تاکنون در دنیا سابقه نداشته است؛ از اینرو زمانی که شرایط ویژه و بدون الگویی به وجود می‌آید، ضرورت نوآوری و ایده‌پردازی از سوی صاحب‌نظران برای برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ضرورت پیدا می‌کند. در هیچ یک از مکتوبات و نظریه‌های متداول

<sup>۱</sup>. Development

<sup>۲</sup>. Sustainable human development

<sup>۳</sup>. Economic resistance

<sup>۴</sup>. Sustainable Development

اقتصادی غرب، الگو و پیشینه نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمی‌توان یافت که برای مشکلات اقتصادی همچون تحریم بانک مرکزی، تحریم صنعت نفت و ... در آن نسخه شفابخشی ارائه شده باشد؛ شاید تحقیقات محرمانه‌ای در این زمینه انجام شده باشد، اما در ترافیک نظریه‌های اقتصادی، قحطی نظریه اقتصاد مقاومتی به چشم می‌خورد. در شرایطی که انبوه الگوهای اقتصادی از حل مسائل اقتصادی امروز ایران عاجز هستند و تحریم‌های گسترده غرب علیه کشورمان رو به گسترش است، ارائه و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی می‌تواند انقلاب عظیمی را در عرصه اقتصاد ایران ایجاد کند (میلانی، ۱۳۹۴: ۵).

در ادبیات اقتصادی جهان، اقتصاد مقاومتی مفهومی جدید است اگر چه کمتر بر آن تأکید شده است. با این وجود اصطلاحات و نظریه‌هایی را میتوان ذکر نمود که نزدیکی و شباهت با آن دارند. نظریه بریگاگلیو<sup>۵</sup> «فتریت اقتصادی» از جمله آنهاست. بریگاگلیو بیان می‌دارد که اصطلاح فتریت اقتصادی به دو مفهوم به کار می‌رود: اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوکهای اقتصادی تخریب‌کننده خارجی. دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوکها (بریگاگلیو، ۲۰۱۱).

اقتصاد مقاومتی ادبیاتی است که در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده است. هم‌اکنون اقتصاد ایران باید برمبنا و اصول درستی گام نهد تا از این رهگذر بتواند بر تحریم‌های بین‌المللی فائق آمده و تهدید تحریم را به فرصت تبدیل کند. آن اصول و مبناهایی که اقتصاد ایران باید داشته باشد، ادبیاتی را به نام اقتصاد مقاومتی ایجاد کرده است. سیاستهای پولی و مالی باید در این ادبیات اقتصادی مشخص شده و همواره به این پرسش پاسخ دهیم که در سیاستهایی که انجام می‌دهیم به دنبال چه می‌باشیم. برای اینکه متوجه شویم که سیاستهای پولی و مالی و غیره چگونه باید باشد و چه جهت‌گیری را باید دنبال کند، اول باید شناخت درستی از اقتصاد ایران و مشکل اصلی اقتصاد ایران داشته باشیم (میلانی، ۱۳۹۴: ۶). اقتصاد مقاومتی تنها به مباحث اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه در آن به بحث‌های پایه‌هایی مانند عدالت توجه ویژه شده است. توجه و احترام به حقوق انسانها و ثبات سیاسی و توسعه پایدار هم در آن مطرح است. الگوی پیشنهادی و جامع اقتصاد مقاومتی در مجموع بر ۴ مؤلفه رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، فتریت اقتصادی و ثبات اقتصادی تأکید دارد. در این نوشته هدف کلی ما «تبیین نظری توسعه پایدار و اقتصاد مقاومتی با وجود پتانسیل‌های بومی و توسعه درون‌زا» می‌باشد.

## ۲. پایه های نظری بحث اصلی

### ۳. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد رقابتی مبتنی بر بازار است. در این الگو بر تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد کشور، افزایش شفافیت، حذف زمینه‌های فسادزا و افزایش مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی تأکید می‌شود. همچنین توجه اکید به محورهایی مثل حفظ و تقویت مرادوات تجاری و سیاسی با کشورهای دیگر، توجه به تأمین مالی از خارج، منطقی‌سازی اندازه دولت و کاهش سهم درآمدهای نفتی از منابع بودجه لازم و ضروری است. در مجموع اقتصاد مقاومتی مبتنی بر بازار است و در این راستا سیاست‌های سنجدیده در چارچوب نظریه‌های علم اقتصاد به صورت هماهنگ باید به کار گرفته شود. البته این سیاستگذاری‌ها با محدودیت‌هایی مواجه است که اقتصاددانان با علم به این محدودیت‌ها باید به بررسی و رشد شاخص‌هایی مانند نرخ رشد تولید، کاهش نرخ تورم و نرخ بیکاری بپردازند (بازمحمدی، ۱۳۹۳).

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی‌پذیرد که صرفاً مصرف‌کننده باشد، منفعل

° Briguglio

نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه ایستادگی می کند. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد و برنامه برای مدیریت وضعیت اقتصادی ایران در شرایطی که تحریم‌هایی علیه ایران وضع شده، مطرح است. اقتصاد ایران یک اقتصاد رانتی محسوب می شود که تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی بر پایه اقتصاد مقاومتی می تواند به افزایش تولید ملی و بومی سازی تکنولوژی صنعتی و مدرن منجر شود (میلانی، ۱۳۹۴). به طور کلی اقتصاد مقاومتی دو شاخصه اساسی دارد:

✓ در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می بیند.

✓ تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می کند (میرمعزی، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی بسته نمی باشد و چنین دیدی نسبت به اقتصاد مقاومتی رشد آفرین نیست. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می شود. خلاصه وار و به عنوان مطلعی بر شاخصه های اقتصاد مقاومتی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ رهایی از اقتصاد نفتی

✓ واردات لجام گسیخته دشمن اقتصاد مقاومتی

✓ جهش در خودکفایی

✓ تقویت بنیان تولید داخلی

✓ تقویت بنیان تولید علم و فناوری

✓ تقویت دیپلماسی اقتصادی و تجاری

✓ پرهیز از غالب کردن بخش مجازی اقتصاد (بازار پولی و مالی) بر بخش حقیقی

✓ تقویت تعامل بین پنج حلقه تحقیق، آموزش، ترویج، اجرا و بهره برداران (حمیدفر، ۱۳۹۱).

سیاست های کلی ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۱- تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط.

۲- پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه

۳- محور قرار دادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع در جغرافیای مزیت های مناطق کشور

۴- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی

۵- سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه

<sup>۱</sup> مقاومتی نیوز (۱۳۹۹). سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، وب سایت مقاومتی نیوز/پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد مقاومتی، قابلیت دسترسی ۱۶

آذر ۱۳۹۹، (www.moqavemati.net).

۶- افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص

۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)

۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.

۹- اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی

۱۰- حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارز آوری مثبت از طریق :

- ✓ تسهیل مقررات و گسترش مشوق های لازم
- ✓ گسترش خدمات تجاری و ترانزیت و زیرساخت های مورد نیاز
- ✓ تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات
- ✓ برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه
- ✓ استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز
- ✓ ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف
- ۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالاها و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج
- ۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد از طریق:

- ✓ توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان
- ✓ استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف های اقتصادی
- ✓ استفاده از ظرفیت های سازمان های بین المللی و منطقه ای
- ۱۳- مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از نفت و گاز از طریق:

- ✓ انتخاب مشتریان راهبردی
- ✓ ایجاد تنوع در روش های فروش
- ✓ مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش
- ✓ افزایش صادرات گاز
- ✓ افزایش صادرات برق
- ✓ افزایش صادرات پتروشیمی
- ✓ افزایش صادرات فرآورده های نفتی

۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید نفت و گاز بویژه در میادین مشترک

۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع

۱۶- صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاههای موازی و غیر ضرور و هزینه های زاید

۱۷- اصلاح نظام درآمدهای دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی

۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت  
 ۱۹- شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در حوزه های پولی، تجاری، ارزی و...

۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه

۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی

۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگی سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- ✓ شناسایی و بکارگیری ظرفیت های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب
- ✓ رصد برنامه های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن
- ✓ مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح های واکنش هوشمند، فعال، سریع و بهنگام در برابر مخاطرات و اختلال های داخلی و خارجی

۲۳- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه های نظارت بر بازار

۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن. (مقاومتی نیوز، ۱۳۹۹).

#### ۴. الگوی توسعه برون زا<sup>۷</sup>

نوعی الگوی توسعه ای است که بعد از جنگ جهانی دوم بیشتر کشورهای توسعه نیافته برای پایان دادن به توسعه نیافتگی خود در ابعاد نظری و عملی آن را پذیرفته اند. این الگوی توسعه منشا و جهت گیری خارجی دارد و الگویی است تقلیدی که در کشورهای توسعه نیافته به نوعی تحمیل شده است. این الگو به دلیل تقلیدی بودن و سوگیری خارجی داشتن به الگوی توسعه غربی<sup>۸</sup> نیز معروف است (لهسایی زاده، ۱۳۹۱: ۱۴).

در این الگو به اوضاع و شرایط درونی جامعه توجه چندانی نمی شود و در زمینه های اقتصادی با ملاک قرار دادن الگوهای کلاسیک توسعه اقتصادی که تاکید بر اقتصاد بازار و عملکرد آن دارند، در جهت نیل به انباشت سرمایه به عنوان نیروی محرکه توسعه اقتصادی مطابق با الگوهای نظام سرمایه داری تاکید می شود. در قالب این الگوی توسعه ای برای رسیدن به توسعه اقتصادی به شیوه غربی و تکرار آنچه که در کشورهای توسعه نیافته با تحمیل برنامه های اصلاحی از بالا به پایین و تکیه بر سرمایه های خارجی، زمینه آن نوع تغییرات و تحولاتی را فراهم می سازند که در نهایت به رشد اقتصادی و توسعه ناهمگون و ناموزون می انجامد. کشورهایی چون برزیل، آرژانتین، کره جنوبی، کنیا و ایران قبل از انقلاب اسلامی این نوع الگو را تجربه کرده اند در واقع این الگو جزء وابستگی چیزی را برای این کشورها به ارمغان نیاورده است.

#### ۵. توسعه درون زا

الگوی توسعه درون زا<sup>۹</sup> بر خلاف الگوی توسعه برونزا الگویی است که منشا و جهت گیری داخلی دارد. در این الگو منابع داخلی و شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه خودی مورد توجه قرار می گیرد و بر این واقعیت تاکید

<sup>۷</sup>. Endogenous Development

<sup>۸</sup>. Western development model

<sup>۹</sup>. Model of endogenous development



دارد که چگونه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را تغییر دهد که عوامل بازار بتوانند با فعالیت خود نیازهای داخلی جامعه را تامین کنند. همچنین بر ارتقای سطوح کیفی زندگی تمامی انسان ها تاکید دارد. بنابراین الگوی توسعه درون زا خودی و داخلی است که با شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه بیگانه نیست و از تقلید و الگوبرداری محض و وابستگی به خارج اجتناب دارد و تلاش خود را برای تحقق و توسعه ای همگون و متوازن در جامعه به کار می بندد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۵۶).

#### ۶. نظریه اشاعه فرهنگی دانیل لرنر

در نیمه دوم قرن بیستم جامعه شناسی که با رویکرد جامعه شناختی- روان شناختی به مطالعه نوسازی پرداخته، دانیل لرنر<sup>۱۰</sup> است. او مطالعه خود را متمرکز در شش کشور خاورمیانه (ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه) نموده که حاصل آن کتابی است تحت عنوان (گذار از جامعه سنتی، نوسازی خاورمیانه).

اندیشه لرنر در چهارچوب نظریه اشاعه فرهنگی<sup>۱۱</sup> قرار می گیرد و متکی بر این ایده است که به واسطه بسط و نشر عناصر فرهنگی کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم جریان نوسازی و تجدد به وقوع می پیوندد. به نظر لرنر ورود عناصر و مکانیسم هایی که حامل نوسازی هستند در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسان ها برای پذیرش عناصر جدید تجدد تاثیرگذار هستند. آن چنان که لرنر در خصوص تحول خاورمیانه می گوید: «دو مرحله قابل تشخیص است. گرایش به اروپا که صرفا متوجه قشرهای بالای جامعه بود و به دگرگونی نوع زندگی آنان نظر داشت و تجدد که جمعیتی وسیع را در بر می گرفت. جریان گرایش به اروپا در وسایل خبری ممتاز منعکس شد. در صورتی که تجدد توسط وسایل ارتباط جمعی نشر یافت. سه عامل اصلی در جریان تجدد وجود داشت، شهرگرایی، سواد آموزی و توسعه وسایل ارتباط جمعی» (کارنو، ۱۳۶۷: ۱۳۱۴).

#### ۷. نظریه انسان نوین اینکس و اسمیت

اینکس و اسمیت<sup>۱۲</sup> از محققانی هستند که به ابعاد روانی تغییر اجتماعی و نوسازی توجه دارند. به عبارتی نقطه شروع تجدد و نو شدن را در نوسازی انسان می دانند و انسان نوین<sup>۱۳</sup> را فراهم کننده توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانسته، برای او ویژگی ها و معیارهایی را بر می شمارند اینکس می گوید: «خصوصیت برجسته انسان نو دو جنبه دارد. یکی داخلی و دیگری خارجی، یکی به محیط وی مربوط می شود و دیگری به وجه نظرها، ارزشها و احساسات او» (وینر ۱۳۵۴: ۱۱۹)

آنها عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی چون شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و غیره می بینند و برای معیارهای درونی در خصوص انسان نو و مدرن به ویژگی ها و معیارهای زیر توجه دارند:

- آمادگی انسان برای قبول و پذیرش تجربیات تازه و استعداد نو برای ابداع و تغییر
- برخورداری از عقاید آزاد و توجه به تنوع عقاید و آگاهی از اختلاف آنها با یکدیگر
- معطوف بودن ذهن او به حال و آینده تا به گذشته و برخوردار بودن از وقت شناسی و نظم و انضباط

<sup>۱۰</sup> Daniel Lerner

<sup>۱۱</sup> Cultural diffusion theory

<sup>۱۲</sup> Aynks and Smith

<sup>۱۳</sup> Modern humans

- تمایل داشتن به برنامه ریزی و سازماندهی امور
- کارآمد بودن یا داشتن ایده و توانمندی تسلط بر محیط
- قابل محاسبه دانستن جهان
- احترام به دیگران
- اعتقاد به علم و تکنولوژی
- احترام به برابری و رعایت حقوق دیگران (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

### ۸. نظریه انگیزه پیشرفت مک کله لند

مک کله لند<sup>۴</sup> یافته‌های خود را نزدیک به اندیشه ماکس ویر<sup>۵</sup> در خطوط اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری می‌داند. به نظر مک کله لند درونی کردن (میل به پیشرفت) از طریق فرایند جامعه پذیری از همان اوایل زندگی افراد باید صورت گیرد. و سپس از طریق آموزش‌های لازم و مطبوعات و سایر نوشته‌ها این میل را باید تقویت کرد او در خصوص تقویت این نیاز و میل که خود از آن تحت عنوان ویروس ذهنی نام می‌برد و مواردی چون:

- ۱- رهبری هر کشور باید با هر وسیله ممکن، عقیده و انگیزه برای توسعه را افزایش دهد.
- ۲- برگزاری دوره‌های آموزشی برای تقویت انگیزش بازرگانان
- ۳- ضرورت آموزش عالی زنان در کنار آموزش مردان، را به عنوان توصیه‌هایی جهت رشد و توسعه اقتصادی مطرح می‌کند (لهسای زاده، ۱۳۹۱: ۳۹).

به نظر راجرز<sup>۶</sup> تغییر چیزی جز اندیشه و نظری نیست که فرد آن را جدید و نو می‌پندارد و شیوع به معنای فرایندی است که اندیشه و نظری نو از منبعی منتشر و اشاعه می‌یابد و قبول یک اندیشه به معنای تصمیم به تحقق بخشیدن کامل آن است. البته ابعاد روانی در اندیشه شومپیتر در قیاس با اقتصاددانی چون روستو جایگاه و مرتبط بالاتری دارد ولی در مجموع این دو اقتصاددان نوسازی را بیشتر در قالب ابعاد اقتصادی آن می‌بینند و بر صنعتی شدن جامعه تاکید دارند. لنین امپریالیسم را مرحله انحصارگرایی سرمایه داری می‌داند و برای ظهور سرمایه داری انحصاری چهار مرحله را تشخیص داده که عبارتند از:

- ۱) تشکیل شرکت‌ها، کارتل‌ها، اتحادیه‌های صنفی و تراست‌های سرمایه دار به عنوان صعود انحصار که خارج از تولید متمرکز است.
- ۲) کنترل انحصاری مواد خام
- ۳) ظهور بانک‌ها به عنوان انحصارات سرمایه مالی که نتیجه الیگارشی مالی که وابسته به شبکه‌ای از نهادهای اقتصادی و سیاسی است می‌باشد.
- ۴) تقسیم مستعمرات جهان در درون یک قلمرو تحت نفوذ به عنوان نتیجه نزاع سرمایه مالی برای دریافت مواد خام و صدور سرمایه (چیلکوت، ۱۹۸۱: ۳۲۴) (به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴).

لنین برای مبارزه با امپریالیسم و نظام سرمایه داری تاکید بر تقویت و برانگیختن ملی‌گرایی میان ملل سوم دارد. گالتونگ<sup>۷</sup> بر مبنای نوع رابطه بین امپریالیسم و کشور توسعه نیافته و به تعبیری بین هسته و پیرامون<sup>۸</sup> پنج نوع امپریالیسم را از یکدیگر تفکیک می‌کند:

<sup>۴</sup> Mackalland

<sup>۵</sup> Max Weir

<sup>۶</sup> Rogers



- ۱) اقتصادی، که ابزارهای تولید در کشورهای مرکز توسعه می یابند بدون این که این ابزارها در پیرامون توسعه یابند.
- ۲) سیاسی، وجود یک موقعیت تثبیت شده در مرکز و تبع آن و به طور نسبی در پیرامون
- ۳) نظامی، تولید ابزارهای مخرب نظامی در مرکز و عدم تولید آن در پیرامون
- ۴) ارتباطات، که به طور گسترده در مرکز توسعه یافته است ولی در پیرامون توسعه نیافته است.
- ۵) فرهنگی، آموزش اعتماد به نفس و خود اتکایی در قالب برنامه های آموزشی در مرکز و آموزش احساس وابستگی و عدم اعتقاد به نفس در پیرامون (چیلکوت، ۱۹۸۱: ۳۲۰) (به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴).

## ۹. مکتب اکلا

در مبحث مربوط به دیدگاه نوسازی می توان گفت: نظریه های متعددی که در قالب این دیدگاه قرار می گیرند همگی از این ایده مشترک دفاع می کنند که وضعیت توسعه نیافتگی کشورهای توسعه نیافته را باید بر مبنای عوامل و موانع درونی این کشورها تبیین نمود و با اصلاح و از بین بردن این موانع، که عمدتاً باید با کمک نیروهای خارجی صورت گیرد، زمینه ها و شرایط مناسب را برای تحقق توسعه فراهم ساخت. اما در عمل مشخص که نه تنها چنین توسعه ای در کشورهایی که از این الگوها پیروی کرده اند محقق نشده، حتی در مواردی وضعیت این کشورها در مقایسه با وضعیت گذشته آنها بدتر و آشفته تر هم شده است. در چنین شرایطی جستجوی الگو و دیدگاهی که بتواند جایگزین الگوهای ناکارآمد قبلی شود شروع شده بود. چنین کاوشی خود را در قالب دیدگاهی با جهت گیری متفاوت در قالب یک سازمان بین المللی تحت عنوان «کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین»<sup>۱۹</sup> وابسته به سازمان ملل نشان می دهد که در ادبیات توسعه به عنوان مکتب «اکلا» شناخته می شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴۶).

اندیشه هایی که در قالب این مکتب ارائه می شوند عمدتاً از جانب اقتصاددانان توسعه مطرح شده اند که در راس آنها اقتصاددان آرژانتینی رائل پریس قرار دارد. وی خود برای مدتی مسئول «کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین» بوده است. اقتصاددانانی چون سلسو فورتادو<sup>۲۰</sup> آرژانتین و اوسوالدو سونکل<sup>۲۱</sup> از شیلی به عنوان صاحب نظران این مکتب شناخته شده اند. دیدگاه نظریه پردازان مکتب اکلا اگر چه در برابر اندیشه های مربوط به دیدگاه های توسعه گرا که در پی اشاعه نظام سرمایه داری بودند قرار می گیرد ولی دیدگاهی مارکسیستی نیست و بیشتر بعد ناسیونالیستی و ضدامپریالیستی دارد. کشورهای آمریکای لاتین قبل از طرح دیدگاه های مکتب اکلا از راهبرد توسعه صادرات سنتی پیروی می کردند. بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ به صورت گسترده ای تقاضای غرب را برای تولیدات آمریکای لاتین کاهش داد. مشکل تکیه و اعتماد کردن به خارج به عنوان نیروی محرک رشد اقتصادی برای این کشورها آشکار شد و این زمینه ای شد که روشنفکران این کشورها شروع نمایند به طراحی «راهبرد توسعه درون زا»<sup>۲۲</sup> که در مقابل افزون طلبی های تجارت جهانی آسیب پذیری کمتری دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

<sup>۱۹</sup> Galtvng

<sup>۱۸</sup> Core and periphery

<sup>۱۹</sup> Economic Commission for Latin America

<sup>۲۰</sup> Raul Prebysch

<sup>۲۱</sup> Celso Furtado

<sup>۲۲</sup> Osvaldo Sunkol

<sup>۲۳</sup> Endogenous development strategy

در چنین شرایطی راهبرد پیشنهادی مکتب اکلا در خصوص توسعه کشورهای پیرامون به ویژه کشورهای آمریکای لاتین عبارت بود از «راهبرد جایگزینی واردات»<sup>۲۴</sup> در قالب الگوی «توسعه درون زا»<sup>۲۵</sup> در مقابل «راهبرد تشویق به صادرات»<sup>۲۶</sup> که در قالب الگوی «توسعه برون زا»<sup>۲۷</sup> قرار می‌گیرد. راهبرد جایگزینی واردات، جایگزینی تولیدات داخلی به جای محصولات خارجی را توصیه می‌کند. دلایل اتخاذ چنین راهبردی را باید در زمینه های زیر جستجو کنیم:

(۱) تجربه‌ای که کشورهای پیرامونی در جریان جنگ جهانی دوم و در دوره های رکود اقتصادی در کشورهای صنعتی، در خصوص تولیدات داخلی خود کسب کرده بودند.

(۲) داشتن بازارهای گسترده مصرفی داخلی به دلیل داشتن جمعیتی با حجم بالا.

(۳) نقشی که تولید داخلی در جلوگیری از خروج ارز به خارج از کشور داشت و نیز کمبود ارزی که این کشورها برای ورود کالا با آن مواجه بودند.

(۴) وجود این باور که بعد از تولید کالاهای مصرفی اقدام به تولید کالاهای واسطه ای بنمایند که این امر در فرایند صنعتی شدن نقش مهمی را می‌تواند ایفا کند.

(۵) در نظر داشتن مدل رشد اقتصادی «هارود- دومار»<sup>۲۸</sup> که تاکید دارد هر اقتصادی باید نسبت معینی از درآمدش را پس انداز کند تا آن را در فرایند سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار دهد. بر مبنای این مدل کشورهای پیرامون می‌بایست بخشی از درآمدهای خود را پس انداز نمایند و سپس این پس اندازها را در بخش‌های صنعتی به کار گیرند (همان، ۲۵۲).

برای تحقق چنین راهبردی که زمینه ای درونی و داخلی دارد باید موانع داخلی توسعه مورد شناسایی قرار گیرند.

بنابر این بر مبنای راهبرد جایگزینی واردات، سیاست‌هایی چون دخالت دولت در فرآیند توسعه اقتصادی و صنعتی شدن، کنترل واردات و تجارت داخلی، اعمال تجارت‌های گمرکی و پیروی از سیاست‌های حمایتی از تولید داخلی مورد توجه و توصیه قرار می‌گیرد (لهسایی زاده، ۱۳۹۰).

در مجموع مکتب اکلا با پذیرش فرض پیوند دادن توسعه نیافتگی آمریکای لاتین به نظام اقتصاد بین الملل<sup>۲۹</sup> و تقسیم جهان به مرکز و پیرامون برای مقابله با دخالت بورژوازی بین الملل<sup>۳۰</sup> اصولی را مطرح می‌کند که عبارتند از:

(۱) تغییر مسیر توسعه معطوف به خارج به توسعه داخلی که با نوعی اقتصاد محلی و دولتی کنترل می‌شود و وابستگی به تجارت خارجی محدود می‌گردد.

(۲) به کارگیری سیاست‌های صنعتی که الیگارشسی سنتی را تضعیف نماید و مشارکت طبقه متوسط و پایین جامعه را در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه تقویت نماید.

(۳) ادغام توده های روستایی در سیستم تولیدی جامعه از طریق اصلاحات ارضی.

(۴) تقویت دولتی توسعه گرا و مستقل از لحاظ سیاسی.

(۵) تحقق نوعی ایدئولوژی توسعه‌گرا در قالب الگوی توسعه درون زا و با تاکید بر راهبرد جایگزینی واردات (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

<sup>۲۴</sup>: Import substitution strategy

<sup>۲۵</sup>: Endogenous development

<sup>۲۶</sup>: Strategy is to encourage export

<sup>۲۷</sup>: Endogenous Development

<sup>۲۸</sup>: Harwood Dammar

<sup>۲۹</sup>: International economic system

<sup>۳۰</sup>: International bourgeoisie

به دلایلی چون؛ تشدید دخالت دولت و سیاست های تعرفه ای شدید، همچنین کاهش کیفیت کالاهای مصرفی، مهم تر از همه بنیان نهادن صنعت بر مبنای الگوهای مصرفی و تولیدی قدیمی و نارسایی و وابستگی ای که در زمینه تکنولوژی در کشورهای پیرامون وجود داشت، این راهبرد و الگو نتوانست صورتی موفقیت آمیز در کشورهای پیرامون از جمله در کشور کوبا داشته باشد. جهانی شدن فرایندی است که از طریق آن تعامل میان جوامع و دولت ها در حوزه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده تر و متراکم تر شده است. به گونه ای که هر نوع تغییر در بخش هایی از جهان موجب تغییر و اثرگذاری در دیگر بخش های جهان در مقیاس های جهانی، منطقه ای، ملی و محلی می گردد.

شکل گیری اعتراض های اقتصادی (نسبت به بحران اقتصادی در اروپا، شمال آفریقا و دیگر کشورهای عربی مصر، تونس، لیبی، مراکش، سوریه، یمن، عربستان، بحرین و ...) ناشی از تغییرات و مشکلات جهانی شده است.

به نظر سمیرامین جهانی شدن چندقطبی آتی تواند به توسعه و تکامل اجتماعی کمک کند و از این طریق دموکراتیزاسیون اجتماعی را رشد و گسترش خواهد بخشید و موجب کاهش اندیشه های تعارض و برخورد خواهد شد (امین، ۱۳۸۰: ۶۸). «جهانی سازی می تواند تغییر شکل یابد و وقتی این کار صورت گرفت، و به درستی و متخصصانه انجام شد، به طوری که همه کشورها در سیاست گذاری هایی که بر آنها تاثیر می گذارد نقش داشته باشند، امکان این خواهد بود که اقتصاد جهانی جدید به وجود آید که در آن رشد، نه فقط پایدارتر و آسیب ناپذیرتر است، بلکه ثمرات این رشد به نحوی عادلانه تر میان همه تقسیم شود» (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۴۴).

از مواردی که به عنوان پیامد مثبت جهانی شدن از آن یاد می شود افزایش آگاهی کنشگران اجتماعی در عرصه های مختلف محلی و ملی نسبت به حقوق و نقش اجتماعی و سیاسی شان است.

- (۱) فوکویاما منابع ایجاد کننده سرمایه اجتماعی را این گونه مطرح می نماید:
- (۲) هنجارهایی که به لحاظ نهادی ساخته شده اند (ساخت مندی های نهادی) و منتج از نهادهای رسمی مانند دولت و نظام های قانونی هستند.
- (۳) هنجارهایی که خودجوش هستند (ساخت مندی های خودجوش) و برخاسته از کنش های متقابل اعضای یک جامعه هستند.
- (۴) ساخت مندی های برون زاد که برخاسته از اجتماعی غیر از اجتماع مبدا خودشان هستند و می توانند از دین، ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه تاریخی مشترک نشأت بگیرند.
- (۵) هنجارهایی که از طبیعت ریشه گرفته اند (ساخت مندی های طبیعی) مثل خانواده، نژاد و قومیت (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۹۷-۱۰۷). در دهه های گذشته تعریف توسعه که صرفاً جنبه اقتصادی داشت تغییر کرده و اکنون به نوعی جامع نگری که شامل توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی است روی آورده است. در این تعریف انسان به عنوان محور اصلی توسعه مطرح بوده و هدف آن «توسعه انسانی پایدار» است که منظور از آن فراهم کردن زمینه های لازم برای آماده سازی انسان هاست تا ضمن مشارکت در فرآیند توسعه خود نیز از زندگی پایدار (مادی و معنوی) بهره مند شوند و همین اقبال را برای آیندگان نیز در نظر داشته باشند، در این میان حفظ منابع طبیعی تجدیدشونده و محیط زیست جایگاه ویژه یی یافته است، به طوری که حفظ کیفیت محیط زیست و کاهش آثار مخرب و زیان بار طرح های توسعه در کنار دیگر اهداف قرار گرفته است (یخکشی، ۱۳۸۹).

<sup>۱</sup> Globalization molt polar

<sup>۲</sup> Fukuyama

<sup>۳</sup> Social Capital

تنها یک توسعه سالم وجود دارد و آن هم توسعه‌ی است که بیش از هر چیزی بر رشد اقتصادی و رقابت بین‌المللی مبتنی باشد و این توسعه هرگز پایدار نخواهد ماند، مگر آنکه تمام مولفه‌های آن، عادلانه محاسبه شوند. توسعه پایدار تنها آنگاه از منطقی کارآمد برخوردار خواهد بود که پنج بعد آن (اقتصاد، محیط زیست، اجتماع، فرهنگ و سیاست) در ارتباط متقابل با هم مورد بحث و توجه قرار گیرند. مفهوم توسعه پایدار در معنای واقعی خود به همبستگی میان نسل‌ها تاکید فراوانی دارد به این معنی که وظیفه اخلاقی ما است از محیط زیستی که خود از آن بهره‌مند می‌شویم با همان کیفیت و فراوانی برای نسل‌های بعد به جای بگذاریم. مفهوم پایداری را باید در اذهان و اندیشه‌های نیروی انسانی جوامع جست‌وجو کرد. شاید باور این حقیقت با همه ابعاد که فرآیند توسعه پایدار و تحقق همه ابعاد آن همان تربیت نیروی انسانی است که ریشه در آموزش دارد، هنوز برای بسیاری از کشورهای جهان مشکل باشد. بدیهی است تا وقتی نظام تربیت و آموزش نیروی انسانی و امر پژوهش در راس سایر نظام‌ها قرار نگیرد و متولیان این نظام تربیتی از مستعدترین، مدیرترین، داناترین و تواناترین نیروهای کشور نباشند، نمی‌توان به تحقق توسعه پایدار امیدوار بود (بخش‌ی، ۱۳۸۹). در یک نگاه کلی و فراگیر می‌توان عوامل اساسی در یک فرآیند پویای توسعه پایدار را به چهار عامل تقسیم کرد، فرهنگ (باورها و ارزش‌ها)، دانایی (آموزش و پژوهش)، توانایی (ناوری)، تجهیزات و سرمایه) و ساختارها (ضوابط و قوانین) که هر چهار عامل در ارتباط نزدیک، مستقیم و بعضاً غیرمستقیم با نیروی انسانی آموزش دیده قرار دارند.

نهادهای آموزشی و پژوهشی از جمله وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، فناوری و آموزش عالی درهای ناگشوده توسعه هر جامعه‌ی محسوب می‌شوند. کشورهایی که اقبال لازم را برای سرمایه‌گذاری‌های درازمدت در این زمینه پیدا کرده‌اند به مهم‌ترین ابزار و راهکارهای عملی توسعه اقتصادی و اجتماعی خود دست یافته‌اند (بخش‌ی، ۱۳۸۹).

#### ۱۰. نتیجه‌گیری و پیشنهاد :

به نظر می‌رسد شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی نتایج مهمی خواهد داشت که در بیانات مقام معظم رهبری به آنها تصریح شده است. همچنین اقتصاد مقاومتی شرایط و الزاماتی دارد که استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی، تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، توانمندسازی بخش خصوصی و کاهش وابستگی به نفت از جمله آنهاست. بر اساس مؤلفه‌هایی که از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شد، می‌توان الگوی اقتصاد مقاومتی ایران را با چهار مؤلفه اساسی شامل رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد کرد. راهبردهای فنریت اقتصادی شامل موارد چهارگانه راهبردهای بازدارندگی، راهبردهای خنثی‌سازی، راهبردهای جذب و ترمیم و راهبردهای پخش و تضعیف است (میلانی، ۱۳۹۴: ۲۱).

توسعه درون‌زا توسعه‌ای است که از درون اقتصاد و بوسیله نظامی که فرآیند تولید را هدایت می‌کند تعیین می‌شود. توسعه درون‌زا توسعه‌ای خودمدار است اما به معنی بازگشت به گذشته و یا عزلت و انزوا نیست بلکه مفهوم آن تکیه بر خود و تعامل با دنیای خارج است. در مدل‌های اقتصادی نئوکلاسیک‌ها، تکنولوژی به عنوان یک عامل برون‌زا در فرآیند تولید در نظر گرفته شده و اخیراً دسته‌ای از مدل‌های نئوکلاسیک‌های مطرح شده درون‌زا بودن تکنولوژی را به عنوان اساس کار خود آورده‌اند. نظریه رشد درون‌زا در صدد ادغام نظریه شومپتر در رابطه با ایجاد درون‌زای دانش با مدل‌های رشد نئوکلاسیک است. رومر در ۱۹۹۰ مدلی را طراحی کرده که در آن یک بنگاه حداکثرکننده سود با رفتار بهینه در کنار تولید کالا و خدمات نهایی و واسطه‌ای، دانش جدید نیز تولید می‌کند. بنگاه، دانش جدید را در داخل یک مرکز تحقیق و توسعه که وابسته به خود بنگاه است با استفاده از تکنولوژی تحقیقاتی خاص ایجاد می‌کند. البته این بدان معنی است که بایستی به تولید امروز ارجحیت داد و در واقع رابطه جانشینی بین مصرف امروز و تولید دانش برای ایجاد مصرف فردا برقرار نمود.

در نهایت؛ اقتصاد مقاومتی، نظام اقتصادی است که در آن متولی نظام معضلات و مسائل مهم و فرصت‌های موجود اقتصاد را شناسایی و با معیارهایی عینی و مشخص آنها را اولویت‌بندی می‌نماید. سپس با کاهش هوشمندانه ناکارایی‌ها و ناکارآمدی‌ها، استفاده بهینه از توسعه محصولات، خدمات و بازارهای جدید و مردمی کردن اقتصاد در هر یک از این اولویت‌ها، در میان مدت

آسیب پذیری در برابر تهدیدات را حداقل نموده و تاب آوری در برابر شوکها و فشارها را حداکثر می نماید. ترجیح راهکارهای پایدارتر و عادلانه تر زمینه را جهت تحقق قوام حداکثری اقتصاد، عدالت و رشد اقتصادی پایدار در بلندمدت فراهم خواهد نمود.

## منابع و مراجع

- (۱) ازکیا، م و غفاری، غ (۱۳۸۴)، جامعه شناسی توسعه، انتشارات کیهان، تهران، چاپ پنجم.
- (۲) استیگلیتز، ج (۱۳۸۲)، بسوی پارادایم جدید توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۹۷/۱۹۸، تهران: موسسه اطلاعات.
- (۳) امین، س (۱۳۸۰)، امپریالیسم و جهانی شدن، ترجمه سیدحسن منصور و سید حسن حسینی کلجاهی، اقتصاد و جامعه، تهران.
- (۴) بازمحمدی، ح (۱۳۹۳). رقابت رکن اصلی اقتصاد مقاومتی است، قابل دسترسی در [www.ehavadar.ir/index.php38833](http://www.ehavadar.ir/index.php38833).
- (۵) حمیدیفرد، ر (۱۳۹۱). راهکاری به نام اقتصاد مقاومتی، قابل دسترسی در [www.ehavadar.ir/index.php38833](http://www.ehavadar.ir/index.php38833).
- (۶) دیرباز، ع (۱۳۸۰). نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، تهران، دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- (۷) عسکری، ع (۱۳۹۱). هیجده راهکار در اقتصاد مقاومتی ([www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir)). مهرماه ۱۳۹۱.
- (۸) فوکویاما، ف (۱۳۷۹). پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلام عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- (۹) کازنو، ژ (۱۳۱۴). جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، اطلاعات.
- (۱۰) لهسایی زاده، ع (۱۳۹۰). جامعه شناسی توسعه، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ هشتم.
- (۱۱) مقاومتی نیوز (۱۳۹۹). سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، وب سایت مقاومتی نیوز/ پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد مقاومتی، قابلیت دسترسی ۱۶ آذر ۱۳۹۹، ([www.moqavemati.net](http://www.moqavemati.net)).
- (۱۲) میرمعزی، س (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد اسلامی، پاییز، شماره ۴۷.
- (۱۳) میلانی، ج (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصتها و چالشهای تحقق آن، مجله اقتصادی شماره های ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۹۴، صفحات ۲۲-۵.
- (۱۴) وینر، م (۱۳۵۴)، نوسازی جامعه، ترجمه مقدم مراغه ای، تهران، فرانکلین.
- (۱۵) یخکشی، ع (۱۳۸۹). آموزش و پژوهش و توسعه پایدار، بخش پژوهش های دانش آموزی تبیان، گرد آوری و تنظیم؛ زهرا انصاری ([www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)).

Briguglio, L & S. P (2009), "Growth and Resilience in East Asia and The Impact of the 2009 Global Recession", Available at: [http://www.um.edu.mt/\\_data/assets/pdf\\_file/0011/141959/Growth\\_with\\_Resilience\\_in\\_Asia\\_5](http://www.um.edu.mt/_data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5) Dec 2011. Pdf.

## Theoretical explanation of sustainable development and resistance economy (Indigenous potentials and endogenous development)

Hedayat Hosseinzadeh<sup>۱</sup>, Seyed Ali Mirsadeghi<sup>۲</sup> (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Iran<sup>۱</sup>

Master student of Economics, Economics and Electronic Commerce, Payame Noor University, Tabriz<sup>۲</sup>

### Abstract

Resistance economics means identifying areas of pressure and trying to neutralize and control them. In order to achieve the goals of a resistance economy, it is necessary to reduce foreign dependencies and work to increase the country's domestic production and self-reliance. Today, the concept of sustainable development has found almost an implicit and purely environmental meaning. Meanwhile, the United Nations has organized a series of conferences and summits in which terms such as "sustainable environmental development", "sustainable social development", "sustainable cultural development", "sustainable agricultural development", "sustainable economic development" And "Sustainable Political Development" has been used. The research method in this article has been library. In this paper, our overall goal is to "theoretically explain sustainable development and a resilient economy despite its indigenous potential and endogenous development".

**Keywords:** Sustainable Development, Resistance Economy, Indigenous Potentials and Endogenous Development